

وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا

## عقد ودیعت

### دربانک داری اسلامی

۱۳ / شوال / ۱۴۴۳ هـ ق

نویسنده: دکتور محمد ظریف علم "ستانکزی"

۲۴ / ثور / ۱۴۰۱ هـ ش

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



نویسنده: دکتر محمد ظریف علم " ستا نکزی "

## عقد ودیعت در بانکداری اسلامی

### مقدمه:

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلاة والسلام علی خیر خلقه محمد وعلی آله واصحابه اجمعین:

قال الله تبارک و تعالی: ﴿ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ <sup>۱</sup> او كما قال: ﴿ ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ <sup>۲</sup> او كما قال: ﴿ وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ <sup>۳</sup>

الله تبارک و تعالی انسان را با وصف اشرف مخلوقات بودن آن دارای یک سلسله خصوصیات فطری خلق نموده است که در تداوم زندگی بشری او در کره خاکی زمین وابستگی دارد و این فطرت باعث شده تا انسان برای حفظ، بقای خویش در زمین تداوم و زندگی نماید یکی از خصوصیات که انسان در صدد کسب آن میباشد، مال و متاع غرض تهیه لوازم زندگی برای تداوم آنست.

از نظر حقوق عندی که بنام حقوق ( فطری، ذاتی، انفسی ) نیز یاد میگردد، در بخش حقوق خصوصی، ( حقوق عینی قسم حقوق مالی ) تمایل به مال من حیث حق فطری انسان دانسته شده است که حق عینی را چنین تعریف مینمایند: حق عینی عبارت از تسلط مستقیم شخص بر ذات عین ( اموال ) میباشد.

۱ - قرانکریم ( آل عمران / آیه ۱۱۰ )

۲ - قرانکریم ( النحل / آیه ۱۲۵ )

۳ - قرانکریم ( آل عمران / آیه ۱۹۴ )

بنابر خصوصیت فطری انسان مبنی بر تمایل او بر اموال در کسب آن سعی مینماید تا برای تداوم زندگی خویش، آنرا بدست آورد، البته بدست آوردن مال و متاع بطور مشروع و غیر مشروع صورت گرفته میتواند که بطور مشروع از طریق اسباب کسب ملکیت که شریعت اسلامی آنرا مشروع گردانیده باشد، انسان صاحب آن نوع مال و متاع دانسته میشود، سعی در کسب آن مشروع میباشد مانند انعقاد عقود شرعی و قانونی، میراث، وصیت، حیات، تصاحب، شفعه که منحصراً اسباب مشروع کسب ملکیت در شریعت اسلامی مجاز دانسته شده است انسان صاحب مالکیت چنین اموال و اشیاء دانسته میشود.

شریعت اسلامی برای کسب ملکیت قواعد و ضوابط گذاشته است که عدول از آن قواعد و ضوابط و بدست آوردن مالکیت بالای اموال و اشیاء از طریق غیر مشروع را ممنوع و حرام دانسته است، قاعده کلی در شریعت اسلامی به حکم خطاب الهی چنین ارشاد میفرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾<sup>۴</sup> ای کسانی که ایمان آورده اید اموال همدیگر را به ناروا مخورید.

این خطاب الهی مطلق کسب ملکیت را از طریق باطل ممنوع قرار داده است که انواع کسب ملکیت باطل مانند ربا، قمار، سرقت، خیانت در امانت، فریبکاری، رشوت، اختلاس، غدر و ... شامل میگردد و بدست آوردن مال متاع از طرق متذکره را باطل و حرام دانسته و حتی این اعمال را جرم تلقی و مرتکب را مستوجب مجازات دانسته است.

الله تبارک و تعالی تمام کائنات را در خدمت معیشت و زندگی بهتر انسان خلق نموده است که چنین ارشاد میفرماید: ﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾<sup>۵</sup> و آنچه در آسمانها و زمین است تمام را مسخر شما گردانید و اینها همه از سوی اوست، در این کار نیز برای مردم که تفکر میکنند آیاتی از قدرت الهی کاملاً آشکار است.

همچنان الله تبارک و تعالی انسان را که مسخر بالای آنچه در آسمانها و زمین است مسلط گردانیده، او را منحصراً اشرف مخلوقات خلیفه روی زمین گردانیده که در مورد قرآن چنین ارشاد میفرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ

<sup>۴</sup> - قرآنکریم ( نساء / ۲۹ )

<sup>۵</sup> - قرآنکریم ( الجاثیة / ۱۳ )

لِّلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً<sup>۱</sup> و وقتی که پروردگارت فرشتگان را فرمود که من در زمین خلیفه خواهم گشاست.

بنابر نصوص شرعی ذکر شده انسان از کسب ملک غیر شرعی منع شده و آنچه در زمین و آسمانها است برای تسلط و تسخیر انسان مهیا شده است و همچنان انسان خلیفه روی زمین گردانیده شده است پس انسان برای کسب تمام این موارد ضرورت به سعی و انعقاد عقود دارد.

معاملات بانکی نوع از عقود بوده که حسب ضرورت در سطح جهان از قدیم مروج میباشد شریعت اسلامی معاملات بانکی که در آن ربا، قهار، تدلیس، غرر و سایر موارد غیر شرعی موجود باشد آنرا ممنوع و نامشروع قرار داده است لیکن برخی از معاملات بانکداری را تحت عنوان بانکداری اسلامی مشروع و برای آن قواعد را وضع نموده است، فتاوی معاصر را در مورد بانکداری اسلامی بطور جمعی در کنفرانس های اسلامی صادر که توسط آن قواعد بانکداری اسلامی تأسیس و ایجاد شده است.

عقد ودیعت از جمله عقود است که در بانکداری اسلامی و متعارف بیشتر مروج میباشد با این تفاوت که در بانکداری متعارف سپرده هایکه در آن ربح و سود غیر مشروع ربا وجود میداشته باشد، لیکن در بانکداری اسلامی تحت عنوان عقد ودیعت همراه با شروط و قواعد شریعت اسلامی جائز میباشد و همچنان سپرده ها بمنظور سرمایه گذاری در عقد مضاربت و مشارکت با بانک ها نیز جائز میباشد، از اینرو لازم است تا در این مبحث خویش در قدم اول عقد ودیعت را بنابر تعریف، ارکان و شروط آن شناخته به تعقیب آن عقد ودیعت را در حسابات بانکداری اسلامی و طریقه مجاز بودن آن مورد مطالعه قرار دهیم.

---

<sup>۱</sup> - قرآنکریم ( البقرة / آیه ۳۰ )

## مبحث اول

### تعریف ودیعت

ودیعت در لغت به معنای امانت گذاشتن مال استعمال میگردد.<sup>۷</sup> چنانچه گفته میشود فلان مال را بنزد فلان شخص به امانت گذاشته است یعنی به ودیعت گذاشته است.

در اصطلاح ودیعت: عبارت از تسلط شخص است بالای مال غیر به جهت حفظ آن بطور صریح یا ضمنی.<sup>۸</sup>

قانون مدنی افغانستان در ضمن ماده (۱۶۰۹) ودیعت را مانند تعریف فوق فقهی چنین تعریف مینماید:

(ودیعت عقدی است که بموجب آن مالک صلاحیت حفظ مالی خود را به دیگری تفویض مینماید و مالیکه طوری امانت نزد شخص دیگری جهت حفاظت گذاشته میشود ودیعت نامیده میشود).

قانون بانکداری افغانستان عقد ودیعت را از حیث بانکداری اسلامی در ضمن قرارداد طبق فقره (۵۹) ماده (۲) خویش چنین تعریف مینماید:

(ودیعت: قرارداد است که به اساس آن سپرده گذار پول نقد و سائر دارای های خویش را غرض حفاظت و نگهداری به بانک اسلامی می سپارد).

در تعریف فوق فقهی ذکر گردید که ودیعت را میتوان بطور صریح و یا هم ضمنی منعقد نمود که در هر دو صورت مسئله ضمن ماده (۷۷۳) مجله الاحکام چنین تصریح شده است:

( وودیعت به ایجاب و قبول بطور صراحت و یا هم دلالت منعقد میگردد، مثلاً صاحب مال ودیعت بگوید که این مال را نزد تو گذاشتم و مستودع " گیرنده ودیعت" بگوید که من قبول دارم، در این صورت عقد ودیعت منعقد میگردد صراحتاً.

<sup>۷</sup> - لغتنامه دهخدا (vajehyab.com)

<sup>۸</sup> - تکملة فتح القدير ج ۷ ص ۸۸

و اگر شخصی داخل کاروان سرای شود و صاحب کاروان سرای را بگوید که در کجا اسپ خود را ببندم؟ و دید مکانی خالی را و در آنجا اسپ خود را بست در اینصورت عقد ودیعت داللتاً منعقد می‌گردد.

همچنان شخصی مال خود را در پهلوی دکان شخص گذاشت و از نزد آن رفت، در حالیکه صاحب دکان آن مال را دید و سکوت نمود، در اینصورت نیز مال به نزد صاحب دکان داللتاً ودیعت است، و یا اینکه شخص مال خود را در پهلوی دکان شخصی گذاشت و برای صاحب دکان گفت این مال بنزد تو ودیعت است، صاحب دکان سکوت کرد در این حالت نیز داللتاً قبولی ودیعت است و اگر صاحب دکان قبول نمود در این حالت ودیعت منعقد نمی‌گردد).

براساس تعاریف و توضیحات فوق واضح می‌گردد که ودیعت نوع از امانت است و یا به عباره دیگر امانت عام است و ودیعت خاص است که بالای عقد مخصوص که قبلاً تعریف شد استعمال می‌گردد، بنابراین امانت عبارت از شیء است که نزد شخص امین می‌باشد، چنانچه این شیء به عقد نگهداشت برای امین تسلیم شده باشد مانند، عقد ودیعت یا به عقد دیگری به اجوره برای امین تسلیم شده باشد یا به عاریت تسلیم داده شده باشد و یا هم بطریقه دیگری بدون عقد و قصد شخص نزد او امانت باشد مانند اینکه اموال همسایه را شمال به خانه همسایه ببرد در اینصورت این اموال بنزد همسایه امانت است بدون کدام عقد.<sup>۹</sup>

عاریت نیز از جمله انواع امانت می‌باشد که عبارت از امانت سپردن مال است به شخص دیگری با اجازه استفاده از آن همراه بقای عین مال.

---

<sup>۹</sup> - مجلة الاحكام، ماده ۷۶۲

## مبحث دوم

### مشروعیت عقد ودیعت:

عقد ودیعت به کتاب الله، سنت، اجماع و معقول ثابت میباشد که ادله متذکره در مورد عقد ودیعت قرار ذیل استناد میگردد:

#### اول: کتاب الله:

فقه‌های اسلامی عقد ودیعت را به قول الله تبارک و تعالی ثابت دانسته که در مورد میفرماید: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَىٰ الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾<sup>۱۰</sup> و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید.

**وجه دلالت:** الله تبارک و تعالی در آیه فوق حکم میکند برای مسلمانان تا در کارهای نیکی یکدیگر را تعاون و کمک نماید که ودیعت نیز از جمله عقود است که اصل آن بر تعاون و همکاری بین مردم گذاشته شده است.

همچنان الله تبارک و تعالی در سوره النساء میفرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾<sup>۱۱</sup> همانا خداوند جل جلاله به شما امر میکند که امانتها را به صاحبانش باز دهید.

**وجه دلالت:** آیه فوق حکم بر عموم امانات مینماید از اینرو حکم به عموم لفظ امانات ودیعت را نیز در بر میگیرد که از جمله انواع عقد امانت محسوب میگردد، حکم در امانت و انواع آن اینست که دوباره باید به صاحبش تسلیم گردد.

#### دوم: سنت:

همچنان فقه‌های اسلامی عقد ودیعت را طبق احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت دانسته اند که از جمله به احادیث ذیل استناد میگردد:

<sup>۱۰</sup> - قرآنکریم (سوره المائده / ۲)

<sup>۱۱</sup> - قرآنکریم (سوره النساء / ۵۸)



عن أبي هريرة رضي الله عنه قال، قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: (( أَدِّ الْأَمَانَةَ إِلَى مَنْ أُثِمْتُمْ، وَلَا تَخْنِ مِنْ خَانَكَ ))<sup>۱۲</sup> امانت را دوباره به کسیکه برای تو امانت داده تسلیم کن و به کسیکه به تو خیانت کرده خیانت مکن.

**وجه دلالت:** در حدیث فوق پیامبر صلی الله علیه وسلم به سپردن امانت و عدم خیانت در امانت حکم نموده است، چون ودیعت نیز یکی از انواع امانت است پس عقد ودیعت و سپردن دوباره آن به مالک اش مشروع است و خیانت در ودیعت نامشروع و ممنوع است.

همچنان حدیث دیگری: عن أبي هريرة رضي الله قال، قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: (( من نَفَسَ عن أخيه المؤمن كُرْبَةً من كُرْبِ الدنيا، نَفَسَ الله عنه سبعين كُرْبَةً من كُرْبِ الآخرة ))<sup>۱۳</sup> هر که اندوهی از اندوهای دنیار را از برادر مؤمن خود دور نماید، خداوند هفتاد اندوه از اندوههای آخرت را از او دور مینماید.

**وجه دلالت:** از حدیث متذکره ثابت میگردد که قبولی عقد ودیعت از مسلمان و رفع تشویش او برای نگهداشت امتعه و اموال او است بنابراین وعده پیامبر برای شخص مستودع اجر، ثواب و پاداش آخرت است از اینرو عقد ودیعت بر علاوه اینکه مشروع است دارای اجر و پاداش اخروی نیز برای شخص مستودع " امانت گیرنده " میباشد.

### سوم: اجماع:

تمام علمای امت بدون انکار عقد ودیعت را مشروع دانسته و از آن انکار ننموده اند،<sup>۱۴</sup> چنانچه در کتب فقه بحث ودیعت وجود دارد و براساس دلائل ذکر شده کتاب الله، سنت و به اجماع امت اسلامی عقد ودیعت ثابت، مشروع و جائز میباشد.

### چهارم: معقول:

بنابر ضرورت مردم به این عقد عقل نیز عقد ودیعت را مشروع میداند، مردم بخاطر حفاظت اموال خویش ضرورت به امنیت دارد چون تمایل مردم به مال از طریق غیر مشروع و کسب آن باعث میشود تا مردم اموال

<sup>۱۲</sup> - اخرجه ابوداود (۳۵۳۵) / والترمذی (۱۲۶۴)

<sup>۱۳</sup> - اخرجه مسلم ج ۴ ص ۲۰۷۴

<sup>۱۴</sup> - مجمع الأنهار ج ۲ ص ۳۳۸ / مغني المحتاج ج ۳ ص ۷۹ / شرح منتهی الإرادات ج ۲ ص ۴۴۹

خویش را بنزد اشخاص امین، به ودیعت گذارد تا از اموال آنها نگهداری و پاسبانی گردد، روی این مسئله عقل چنین عقد را بنا بر ضرورت و احتیاجات مردم مشروع و جائز میدانند.

قانون مدنی افغانستان در ضمن معاملات تعاقدی عقد ودیعت را در ضمن احکام عمومی عقد طبق ماده ( ۴۹۹ ) خویش مجاز دانسته و چنین تصریح میدارد:

(عقد بغرض نگهداشت اعیان طور ودیعت یا بغرض استهلاك آن از طریق انتفاع طور قرض و تادیة بدل، جواز دارد).



## مبحث سوم

### خصائص عقد ودیعه

عقد ودیعه دارای سه خصوصیت میباشد که عبارت اند از:

#### اول: ودیعت عقد جائز غیر لازم است:

عقد ودیعت از جمله عقود جائز غیر لازم است هرطرف از عاقدین میتوانند در جریان تداوم عقد آنرا هر زمان که خواسته باشند فسخ نمایند، بدون اینکه رضایت طرف دیگر عقد راضی باشد و یا خیر؟<sup>۱۰</sup>

همچنان در ماده (۷۷۴) مجله الاحکام تصریح گردیده است که :

(ودیعت دهند و ودیعت گیرنده هرکدام در هر زمان که بخواهند میتوانند عقد را فسخ نمایند).

#### دوم: ودیعت عقد امانت است:

عقود امانت عبارت از عقود استند که مال قبض شده بنزد مستودع امانت میباشد، از اینرو قبض کننده مال مسؤل نمیباشد از تلف شدن مال مگر اینکه قصور او در نگهداشت مال ثابت گردد.

در مورد این خصیصه ودیعت مجله الاحکام در ضمن ماده (۷۶۹) چنین تصریح میدارد: ( امانت عبارت از شی موجود نزد شخصی امین است، اگرچه امانت بغرض عقد حفاظت منعقد شده باشد مانند ودیعت یا عقد امانت ضمن عقد ودیعت به اجورت باشد و یا عاریت باشد.

ممکن شی بنزد شخص بدون عقد و یا قصد امانت موجود باشد مانند اینکه شمال مال شخصی را در خانه همسایه انداخته در این حالت عقد وجود ندارد و مال بنزد صاحب خانه ودیعت نیست بلکه تنها امانت است).

---

<sup>۱۰</sup> - حیدر علی، درر الحکام ج ۲ ص ۲۲۸

## سوم: عقد ودیعت عقد تبرع است:

عقد ودیعت از جمله عقود تبرعات می باشد چنانچه در فصل سوم این کتاب اقسام عقود را ذکر نمودیم و از جمله یک نوع آن تقسیم می شد به عقود تبرعات و عقود معاوضات، عقود تبرعات عبارت از عقود است که در اصل عوض در بدل عقد وجود ندارد و عقود معاوضات عبارت از عقود است که در بدل عقد عوض داده می شود، بنابراین این تقسیم عقد ودیعت در اصل از جمله عقود تبرعات است در برابر آن عوض وجود ندارد زیرا این معاونت و کمک است با صاحب مال در نگهداشت و صیانت مال او، اما برخی از فقهاء بعضاً عقد ودیعت را در برخی اوقات از جمله عقود معاوضه نیز براساس تفاهم طرفین محسوب مینمایند که در مورد فقهاء اختلاف دارند که آیا شرط عوض در عقد ودیعت جائز است و یا خیر؟ که قرار ذیل نظریات فقهاء ارایه می گردد:

### ۱- دیدگاه مذهب احناف و شوافع:

بنزد مذهب احناف و شوافع جائز است که شرط گذاشته شود غرض حفظ مال ودیعت اجوره، چنین شرط درست است موجب فساد عقد نمیگردد.<sup>۱۶</sup>

### ۲- دیدگاه مذهب مالکی:

مذهب مالکی بین دو مسئله فرق میگذارد:

أ) برای تنها نگهداشت ودیعت اجوره و مزد لازم نمیگردد.

ب) برای نگهداشت ودیعت هرگاه منزل اختصاص داده شود در اینصورت ابن رشد از علمای مالکی به این دیدگاه است هرگاه برای نگهداشت مال ودیعت منزل اختصاص داده شود، کرایه منزل منحصراً لازم میگردد، آنهم در صورتی که مال ودیعت ضرورت به نگهداشت در منزل داشته باشد که باید در منزل نگهداری و قفل گردد.<sup>۱۷</sup>

<sup>۱۶</sup> - الفتاوی الهندیة ج ۴ ص ۳۴۲ / حاشیة الرملي علی أسنی المطالب ج ۳ ص ۷۶

<sup>۱۷</sup> - التاج والإکلیل شرح مختصر الخلیل ج ۵ ص ۲۶۶

### ۳- مذهب حنبلی:

بنزد مذهب حنبلی برای نگهداشت مال ودیعت شرط اجوره جائز نیست، زیرا ودیعت عقد تبرع است و جائز نیست اخذ اجوره در آن و اگر اجوره اخذ گردد در اینصورت اجاره برای حفظ مال است نه اینکه برای آن عقد ودیعت گفته شود.<sup>۱۸</sup>



---

<sup>۱۸</sup> - شرح منتهی الإرادات ج ۲ ص ۴۴۹

## مبحث چهارم

### ارکان عقد ودیعت

ارکان عقد ودیعت مانند سائر انواع عقود بنزد جمهور فقهاء ( مالکی ها، شوافع و حنابله ) و احناف اختلاف وجود دارد.

#### اول: ارکان عقد ودیعت بنزد جمهور:

بنزد جمهور مانند سائر عقود برای عقد ودیعت سه رکن است که عبارت از صیغه، عاقدین و محل است.<sup>۱۹</sup>

۱- **صیغه:** عبارت از ایجاب و قبول است که توسط آن عقد ودیعت منعقد میگردد مودع " ودیعت دهنده " ایجاب به سپردن مال ودیعه مینماید و مستودع " ودیعت گیرنده " آنرا قبول مینماید و در چنین حالت رکن اولی عقد ودیعت تحقق میابد.

۲- **عاقدین:** عبارت از مودع و مستودع " ودیعت دهند و ودیعت گیرنده " دو طرف عقد میباشد.

۳- **محل عقد:** عبارت از مودعه " مال " که به ودیعت گذاشته میشود و باید از جمله اموال عینی باشد.

#### دوم: ارکان عقد ودیعت بنزد مذهب حنفی:

بنزد مذهب حنفی مانند سائر عقود برای ودیعت یک رکن است که عبارت از صیغه " ایجاب و قبول " میباشد، سائر ارکان که به دیدگاه جمهور ذکر گردیده از جمله ضوابط ایجاب و قبول میباشد، چنانچه اساس اختلاف را قبلاً در بحث عمومی عقد ذکر نمودیم به آنجا مراجعه گردد.

ماده (۷۷۳) مجلة الاحکام در مورد رکن عقد ودیعت چنین تصریح میدارد: ( منعقد میشود ودیعت به ایجاب و قبول بطور صراحت و یا دلالت).

<sup>۱۹</sup> - مواهب الجلیل ج ۵ ص ۲۵۲ / تحفة المحتاج ج ۷ ص ۹۸ / کشاف القناع ج ۴ ص ۱۸۶ / بدایة المجتهد ج ۲ ص ۳۰۲

## مبحث پنجم

### شرایط عقد ودیعت

شروط عقد ودیعت برخی آنها به عاقدین "مودع و مستودع" ارتباط دارد و برخی آنها به مودعه "مال" که به ودیعت گذاشته میشود. ارتباط دارد که قرار ذیل هرکدام تفصیل داده میشود:

#### اول: شروط که به عاقدین "مودع و مستودع" ارتباط دارد:

هرکدام از مودع و مستودع دارای شروط میباشد که فقهاء در مورد آن اختلاف و یا هم اتفاق دارند که قرار ذیل نظریات فقهاء در مورد اشاره میگردد:

فقهاء در مورد شرط جائز التصرف بودن عاقدین<sup>۲۰</sup> "مودع و مستودع" اتفاق دارند که عاقدین در عقد ودیعت باید عاقل باشند،<sup>۲۰</sup> لیکن اختلاف بین فقهاء در مورد اهلیت صغیر رشید و صغیر ممیز است که جائز التصرف میباشد و یا خیر؟ بنابراین بین فقهاء در مورد اینکه مودع و مستودع باید بالغ باشند شرط نیست صرف در مورد صغیر ممیز و صغیر که مراهق "رشید" باشد اختلاف وجود دارد.

أ) بنزد مذهب حنفی و حنابله شرط است که مودع و مستودع در عقد ودیعت صغیر ممیز مأذون به تجارت باشند، زیرا صغیر ممیز مأذون به تجارت ضرورت دارد به توابع تجارته که یکی آنها عبارت از عقد ودیعت است.<sup>۲۱</sup>

همچنان ماده (۷۷۶) مجله الاحکام شرط میگذارد در عقد ودیعت که: ( شرط است در صحت عقد ودیعت اینکه مودع و مستودع عاقل و ممیز باشند، شرط نیست که هر دو بالغ باشند از این جهت به ودیعت گذاشتن شخص دیوانه و صغیر غیر ممیز و قبولی ودیعت از جانب آنها درست نیست، ولیکن به ودیعت گذاشتن صغیر ممیز مأذون و قبول ودیعت از جانب او درست است).

ب) بنزد مذهب مالکی و شوافع شرط است که مودع "ودیعت دهنده" و مستودع "ودیعت گیرنده" در عقد ودیعت جائز التصرف در مرحله مراهق "رشید" باشند،<sup>۲۲</sup> بنابراین صغیر ممیز مأذون به تجارت نمیتواند عقد ودیعت را

<sup>۲۰</sup> - بدائع الصنائع ج ۶ ص ۲۰۷ / تحفة المحتاج ج ۷ ص ۱۰۳ / المغنی ج ۹ ص ۲۷۹ / المهذب ج ۱ ص ۳۶۶

<sup>۲۱</sup> - بدائع الصنائع ج ۶ ص ۲۰۷ / فتاوی هندیه ج ۴ ص ۳۳۸ / ماده (۱۳۲۲) مجله الاحکام الشرعیة در مذهب امام احمد

<sup>۲۲</sup> - مراجع فوق.

انجام دهد و هرگاه مال به نزد مستودع از جانب مودع که اهلیت تصرف را ندارد و به مرحله رشد نرسیده باشد به ودیعت گذاشته شود، عقد ودیعت درست نیست و مستودع مسؤل و مقصر میباشد از مال ودیعت تا زمانیکه دوباره آنرا به مالک اش تسلیم ننماید.

ج) مقارنه بین دو دیدگاهی فوق فقهاء: دیدگاهی فقه حنفی و حنابله نسبت به دیدگاه مالکی ها و شوافع راجح تر میباشد بدلیل اینکه هرگاه صغیر ممیز اجازه دارد تا خرید و فروش و تجارت به اجازه ولی و یا وصی خود انجام دهد، تبعی است که توابع خرید، فروش و تجارت را نیز انجام داده میتواند که عبارت از عقد و دیعت است، در حالیکه عقد ودیعت یک عقد امانت است و عقد تملیک نیست که در آن برای صغیر ممیز ضرر متوجه گردد، برخلاف سائر عقود تملیک که در آن ممکن برای صغیر ممیز ضرر متوجه گردد، پس زمانیکه عقد تملیک مانند خرید، فروش، اجاره و رهن برای صغیر ممیز مأذون اجازه داده شده باشد به طریق اولی عقد ودیعت را میتواند منعقد نماید، مانند اینکه اموال را بغرض تجارت خریداری مینماید و به نزد شخصی به امانت میگذارد بغرض صیانت و نگهداری و یا اینکه پول نقد خویش را غرض محافظت به حساب بانک اسلامی به ودیعت میسپارد.

قانون مدنی افغانستان نیز دیدگاه احناف را ترجیح داده است و بطور عام در ماده (۴۰) چنین تصریح میدارد:

( شخصی که از نگاه صغر سن، معتوه بودن یا جنون، غیر ممیز باشد، نمی تواند معاملات حقوقی را انجام دهد. شخصیکه به سن هفت سالگی نرسیده باشد غیر ممیز محسوب می گردد).

همچنان فقره (۱) ماده (۵۴۴) قانون مدنی در مورد تصرفات صغیر ممیز چنین تصریح میدارد:

(تصرف صغیر ممیز که کاملاً به منفعت وی باشد، جواز دارد، اگرچه ولی وی اجازه نداده باشد. در صورتیکه تصرف مذکور کاملاً بضرر وی باشد، باطل پنداشته میشود گرچه ولی وی اجازه داده باشد).

### **دوم: شرط که مودعه "مال که به ودیعت گذاشته میشود" ارتباط دارد:**

شرط است که مودعه مال باشد و امکان اثبات ذوالیدی بالای آن ممکن باشد، عقد ودیعت بالای چنان مالی منعقد نمی گردد که تحت تصرف مودع "ودیعت دهنده" نباشد، مانند اینکه ودیعت دهنده بگوید که مرغهای هوا نزد تو به ودیعت است در حالیکه مرغهای هوا در دست و تصرف او نمی باشد و یا اینکه بگوید مالی که در



بحر و یا دریا غرق گردیده بنزد تو به ودیعت است.<sup>۲۳</sup> در چنین اموال که تحت تصرف ودیعت دهنده نباشد، عقد ودیعت منعقد نمی گردد و اگر در فقدان چنین شرط عقد ودیعت منعقد گردد اثر مرتبه ندارد بجهت عدم تحقق و اثبات ذوالیدی بالای مال در چنین حالت ودیعت فاسد می باشد.

همچنان فقهاء تصریح میدارند که به ودیعت گذاشتن صکوک و وثایق نیز بشرط ذکر حقوق آن جائز است.<sup>۲۴</sup> چنانچه در بانکداری اسلامی امروزه عقد ودیعت صکوک صورت میگیرد که در بخش از عقد صکوک به آن اشاره خواهیم نمود و همچنان وثایق و اسناد مهم املاکی، عقاری، دیون، رهن و سائر وثائق مهم برای ودیعت در جبهه هاییکه که بانک ها غرض ودیعت برای اشخاص آماده نموده اند و به اجاره گرفتن آن جبهه ها، اسناد و وثائق خویش را در آن بطور ودیعت میگذارند، جائز است.

در مورد این شرط عقد ودیعت مجله الاحکام در ماده (۷۷۵) چنین تصریح میدارد:

( شرط است در عقد ودیعت که مال قابلیت گذاشتن دست را داشته و امکان قبض کردن را داشته باشد، بنابراین درست نیست به ودیعت گذاشتن مرغهای و پرنده ها در هوا).

قانون مدنی در ماده (۱۶۱۰) در مورد اینکه مودعه قابلیت تصرف و ذوالیدی را داشته باشد چنین تصریح میدارد:

( شرط صحت عقد، ودیعت آنست که شی به ودیعت گذاشته شده بتواند وازطرف ودیعت گیرنده تحت تصرف و ذوالیدی آمده قبض شده باشد).

---

<sup>۲۳</sup> - فتاوی هندیه ج ۴ ص ۳۳۸

<sup>۲۴</sup> - فتاوی هندیه ج ۴ ص ۳۵۳ / التاج والاکلیل مواهب الجلیل ج ۵ ص ۲۵۰

## مبحث ششم

### آثار عقد ودیعت

زمانیکه عقد ودیعت صحیح بنا بر ارکان و شروط که قبلاً ذکر گردید منعقد گردد سه اثر مرتبه ذیل را بجا میگذارد:

۱- مال ودیعت نزد امانت گیرنده به امانت مییابد؛

۲- لزوم حفظ کردن مال؛

۳- لزوم رد مال در صورت طلب مودع.

که هر کدام قرار ذیل طبق احکام فقهی و قانونی توضیح داده میشود:

#### اول: مال ودیعت نزد امانت گیرنده به امانت مییابد:

جمهور فقهاء "احناف، مالکی، شوافع، حنابله" در اقوال معتمد خویش، و همچنان امام ثوری، امام اوزاعی، قاضی شریح و سائر علماء به این دیدگاه متفق اند و اجماع دارند که مال ودیعت امانت است و اگر در دست ودیعت گیرنده بدون تجاوز و قصور او تلف شود در اینصورت ضمان و تاوان ندارد.<sup>۲۵</sup>

همچنان ابن منذر بیان داشته که اجماع اهل علم بر اینست هرگاه مودعه در ودیعت در تصرف مستودع بیاید و بدون کدام قصور و جنایت مستودع تلف گردد بالای مستودع ضمان و تاوان نیست.<sup>۲۶</sup>

با تفاوت اینکه در مذهب حنفی در ضمان مال ودیعت در صورت هلاک شدن دو حالت را در مقابل اجوره و یا بدون اجوره تصریح میدارد به اعتبار اینکه در هر دو حالت مال ودیعت بنزد مستودع امانت است تفصیل این دو حالت مطابق فقه حنفی قرار ذیل است:

۱- هرگاه مال ودیعت هلاک گردد که امکان تصرف در اسباب مهلکه مال ممکن نباشد، مانند حریق یا غرق شدن غالب و یا هم از جانب دزدان مسلح گرفته شود، در اینصورت ضمان و تاوان لازم نمی گردد اگرچه عقد ودیعت در مقابل اجوره باشد و یا بدون اجوره.

<sup>۲۵</sup> - البحر الرائق ج ۷ ص ۲۷۳ / الکافی لابن عبدالبر ص ۴۰۳ / بدایة المجتهد ج ۲ ص ۳۱۰ / الام ج ۴ ص ۶۲ / المغنی ج ۹ ص ۲۵۷.

<sup>۲۶</sup> - ابن منذر، الإشراف علی مذاهب أهل العلم ج ۱ ص ۲۵۱

۲- و هرگاه مال ودیعت هلاک گردد و امکان تصرف در اسباب مهلکه مال موجود باشد، در اینصورت دیده میشود، اگر عقد ودیعت در مقابل اجوره نباشد ضمان و تاوان لازم نمی گردد و اگر در مقابل اجوره باشد ضمان و تاوان لازم میگردد.

قانون مدنی افغانستان صورت های فوق دیدگاهی فقه حنفی را در ضمن مواد ( ۱۶۱۴ و ۱۶۱۵ ) چنین تصریح میدارد:

(مال ودیعه امانت است و ودیعت گیرنده ضامن از بین رفتن آن نمیشد مگر اینکه از بین رفتن آن در اثر تجاوز یا تقصیر ودیعت گیرنده در حفاظت آن بوجود آمده باشد).

(هرگاه ودیعت با اجرت بوده و بنا بر اسبابی از بین رفته یا نقصان یابد که جلوگیری از آن ممکن باشد شخصیکه مال ودیعه نزد او گذاشته شده به ضمان مکلف میگردد).

### **دوم: لزوم حفظ کردن مال:**

فقهاء اتفاق دارند به اینکه لازم است نگهداشت و حفظ مال ودیعت برای صاحب آن از جانب ودیعت گیرنده، و اگر در نگهداشت آن کوتاهی آمد و یا هم بالاتر سوء استفاده ودیعت گیرنده مال ودیعت تلف و یا هلاک شد در این صورت ودیعت گیرنده ضامن است.<sup>۲۷</sup>

در مورد این اثر عقد ودیعت قانون مدنی افغانستان در ضمن ماده (۱۶۱۲) چنین تصریح میدارد:

( شخصیکه مال ودیعت نزد او گذاشته میشود مکلف است طوری به حفاظت آن توجه نماید که به حفاظت مال خود می نماید).

### **سوم: لزوم رد مال در صورت طلب مودع:**

لازم است رد مال ودیعت از جانب ودیعت گیرنده به مالک آن در صورت طلب ودیعت دهنده به زودترین فرصت.<sup>۲۸</sup> چون الله تبارک و تعالی در مورد حکم مینماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾<sup>۲۹</sup> همانا خداوند جل جلاله به شما امر میکند که امانتها را به صاحبانش باز دهید.

<sup>۲۷</sup> - المغني ج ۹ ص ۲۷۵ / الإنصاف ج ۶ ص ۳۲۰.

<sup>۲۸</sup> - البدائع ج ۶ ص ۲۱۰

<sup>۲۹</sup> - قرانکریم (سوره النساء / ۵۸)

در صورت که مال ودیعت را بر علاوه طلب مالک آن مستودع مسترد ننمود و عذر مستودع در سپردن مال در میان نباشد مال تلف و یا هلاک شود، ودیعت گیرنده ضامن میباشد، زیرا مالک مال حین طلب مال خود راضی به دوام نگهداشت مال از جانب ودیعت گیرنده نمیباشد، از اینرو در صورت تلف مال ودیعت گیرنده ضامن بسبب غضب مال است.

و اگر در زمان مطالبه مال از جانب مالک مال ودیعت گیرنده قادر به سپردن مال و حاضر نمودن آن نباشد در اینصورت اگر مال تلف و یا هلاک شود، ودیعت گیرنده ضامن شمرده نمیشود.<sup>۳۰</sup>

در مورد ماده (۱۶۲۴ و ۱۶۲۵) قانون مدنی افغانستان نیز چنین حکم مینماید:

( شخصیکه مال ودیعه نزد او گذاشته شده مکلف است عندالمطالبه مال ودیعه را به مالک آن رد نماید مگر اینکه ودیعت برای مدت معین بوده و این تعیین مدت به نفع مالک ودیعه باشد).

( شخصیکه مال ودیعه نزد او گذاشته شده میتواند هر وقتی خواسته باشد مالک را بتسلیم مال ودیعه مکلف نماید مگر اینکه از عقد طوری ظاهر شود که مهلت به نفع مالک ودیعه میباشد).

---

۳۰ - مجمع الأنهر ج ۲ ص ۳۴۰

## مبحث هفتم

### چگونگی عقد ودیعت در بانکداری اسلامی

عقد ودیعت در سیستم های بانکداری بیشتر به سپرده ها اطلاق میگردد، بنابراین سپرده هایکه در آن ارکان، شروط و احکام ودیعت که قبلاً ذکر شد و خالی از ربا و معاملات غیر شرعی باشد درست و عکس آن حرام است از اینرو سپرده های بانکی قرار ذیل عبارت اند از:

۱- **حساب جاری:** (Current Account) عبارت از سپرده بدون سود است و سپرده گذار هر مبلغی را

در هر زمان که خواسته باشد میتواند از حساب خود برداشت کند.<sup>۳۱</sup>

۲- **حساب پس انداز:** (Saving Account) عبارت از سپرده است که سپرده گذار معمولاً تحت برخی

شرایط خاص میتواند از حساب خود پول برداشت کند.<sup>۳۲</sup>

۳- **سپرده غیر جاری:** (Fixed Deposit): عبارت از سپرده است که نرخ آن براساس مدت، وجود آن

در حساب مشخص میشود، که با طولانی بودن مدت، نرخ سود بالا و با کوتاه بودن مدت نرخ سود کم

میشود، سپرده گذار قبل از مدت مشخص شده قادر به برداشت پول از حساب خود نیست.<sup>۳۳</sup>

انواع از سپرده های فوق بطور ودیعت، قرض الحسنه و یا هم بطور مضاربت، مرابحه، مشارکت در بانکداری اسلامی صورت گرفته میتواند، برخلاف در بانکداری متعارف سپرده های سه گانه فوق ربوی میباشد، اگرچه در نوع اول سپرده حساب جاری میباشد و بدون ربا است، اما بدلیل اینکه بانکهای ربوی توسط آن پول چرخ معاملات ربوی را دوران میدهد برای مسلمان جائز نیست تا پول خود را در حساب جاری بانکهای متعارف ربوی بگذارد، صرفاً برخی از علمای اسلامی نسبت اینکه مسلمان بخاطر نگهداشت پول خود چاره دیگری نداشته باشد باز نمودن حساب جاری و گذاشتن پول خویش را در این نوع سپرده منعیث ودیعت جائز دانسته اند.

۳۱ - مجمع الأنهر ج ۲ ص ۲۳۵

۳۲ - اقتصاد اسلامی، ص ۲۳۵

۳۳ - مرجع فوق، ص ۲۳۶

سپرده در ضمن فقره (۱۱) ماده (۲) قانون بانکداری افغانستان چنین تعریف و به انواع ذیل تقسیم گردیده است:

سپرده: مبلغی است که شخص آن را نزد بانک گذاشته و دارای یکی از مشخصات ذیل می باشد:

- با رعایت شرایط و محدودیت های موافقه شده به سپرده گذار قابل بازپرداخت باشد.
- با رعایت احکام اسناد تقنینی مربوط موافقه طرفین و تقاضای سپرده گذار به شخص دیگر قابل انتقال باشد.
- بحیث بدهی بدون قید و شرط بر ذمه دریافت کننده آن، قرار داشته باشد.
- تابع معاملات بین سپرده گذار و دریافت کننده وجوه را به تهیه اجناس، عرضه خدمات یا سائر تضمینات یا وثیقه نباشد.

نفس سپرده های فوق که در قانون بانکداری افغانستان معرفی گردیده مشکل شرعی ندارد، حلال و حرام بودن آن در ضمن معاملات آنها می باشد، هرگاه سپرده های متذکره بغرض عقود و معاملات مشروع شرعی باشد مشکل ندارد مانند اینکه سپرده بغرض انتقال به شخص دیگر باشد این نوع معامله را حواله مینامد که حواله در معاملات اسلامی مجاز است و یا تابع معاملات بغرض تهیه اجناس، عرضه خدمات و یا سائر تضمینات باشد، چنین سپرده ها بمنظور معاملات چون مرابحه، مضاربه و یا مشارکه جائز و درست است، مشروط بر اینکه از سپرده صرف در موارد مشروع شرعی استفاده و انعقاد عقد صورت گیرد و هرگاه معاملات ربوی سپرده ها در میان باشد، معاملات در چنین سپرده ها بالآخر معاملات غیر شرعی آن حرام است.

در سایت (الإسلام سؤال و جواب) از شیخ محمد صالح المنجد در مورد انواع ودیعت در بانکداری و حکم آن سوال شده که در پاسخ که بتاریخ ۶/۳/۲۰۰۸ م در سایت متذکره نشر گردیده چنین بیان داشته است:

ودیعت و سپرده چیزی است که برای نگهداری در نزد شخص گذاشته میشود، بدون اینکه شخص ودیعت گیرنده در آن تصرف نماید.

در مورد آنچه که ودیعت و سپرده بانکی نامیده می شود، خارج از مفهوم فوق است. زیرا بانک عین همان پول سپرده شده را حفظ نمی دارد بلکه در پول تصرف مینماید، که این توضیح از حیث نامگذاری ودیعت است اما از نظر حکم سپرده بانکی بر دو قسم ذیل می باشد:

نوع اول: ودیعت بدون سرمایه گذاری که به آن ودیعت مطالبه یا حساب جاری می گویند، و اینگونه توصیف میگردد که مشتری پول خود را در بانک می گذارد، مشروط بر اینکه هر وقت خواست بدون مفاد اخذ می دارد که در این نوع سپرده کدام اشکالی وجود ندارد زیرا در واقع قرض مشتری به بانک است، اما اگر بانک بر مبنای ربا باشد، سپرده گذاری در آن جایز نیست، زیرا توسط این پول بانک در معاملات ربوی منتفع میشود. مگر اینکه مشتری نیاز داشته باشد که پول خود را در بانک نگه دارد و بانک اسلامی موجود نباشد تا پول خود را در آن به ودیعت گذارد.

نوع دوم: ودیعت و سپرده سرمایه گذاری است که توسط مشتری در ازای ربح و فایده گذاشته میشود که در بازه های زمانی مشخصی که توافق شده است، مشتری پول خود را بدست می آورد، این نوع ودیعت دارای مشکلات است که برخی از آنها حلال و برخی از آنها حرام میباشد که قرار ذیل توضیح میگردد:

### - از صورت های جائز این نوع سپرده ها:

از صورت های جائز این نوع ودیعت عبارت از قرارداد عقد مضاربت بین مشتری و بانک است که به موجب آن بانک در ازای پروژه های مباح سرمایه گذاری می کند در مقابل ربح معلوم تحت شرایط ذیل:

#### ۱- بانک پول را در کارهای مجاز سرمایه گذاری می کند:

مانند راه اندازی پروژه های دارای منفعت، ساخت خانه ها و غیره موارد، در حالیکه سرمایه گذاری در ساختن بانک های ربوی، سینهای و یا اعطای قرض ربوی به نیازمندان جواز ندارد، بدین اساس دانستن ماهیت این نوع سرمایه گذاری که توسط بانک انجام میشود ضروری است.

#### ۲- بدون ضمان رأس المال:

بانک مکلف به استرداد رأس المال در صورت تلف شدن و خساره نیست، تا زمانی که تقصیر بانک در سبب تلف شدن و خساره موجود نباشد، اگر رأس المال تضمین شده باشد در واقع این عقد قرض است و ربح که از آن حاصل می شود ربا محسوب می شود.

#### ۳- ربح از ابتدا معین و توافقی باشد:

ربح به صورت مشاعی جدا از رأس المال تعیین شده باشد، بنابراین برای یکی از آنها مثلاً ثلث، نصف یا ۲۰٪ ربح تعیین شده باشد و متباقی به جانب دیگری برسد.

در صورت که ربح مجهول و غیر معین باشد چنین عقد صحیح نیست و فقهاء تصریح نموده اند در صورت مجهول بودن ربح مضاربت فاسد می‌گردد.

### - از صورت‌های حرام این نوع سپرده‌ها:

۱- در صورتیکه رأس المال تضمین شده باشد، و مشتری مثلاً ۱۰۰٪ را برای گرفتن ربح ۱۰٪ با ضمانت ۱۰۰٪ واریز می‌کند این قرض مبتنی بر ربا است، و در اکثر بانک‌ها متعارف این نوع سپرده‌ها معمول است. که این نوع سپرده را بنام گواهی سرمایه‌گذاری یا دفتر چه پس انداز مینامند که فایده آن بطور دورانی یا به قید قرعه تقسیم می‌گردد، مانند گواهی‌های سرمایه‌گذاری که همه اینها حرام و ناجائز است.

۲- بانک پول را در پروژه‌های حرام مانند ساخت سینما و جاهای سیاحتی حرام که در آن اعمال منکر و گناهان فراوانی جاری باشد در چنین بانک سرمایه‌گذاری حرام است به دلیل همکاری در گناه. تمام موارد فوق از جمله ودیعت‌های گفته می‌شود که بانک‌ها با آنها سروکار دارند.

در مورد سپرده‌ها بطور ودیعت شورای فقه اسلامی در سازمان کنفرانس اسلامی قرار ذیل چنین تصمیم اتخاذ نموده اند:

اول: ودائع و سپرده‌ها قابل باز پرداخت "حساب‌های جاری" اعم از اینکه نزد بانک‌های اسلامی باشد یا بانک‌های ربوی، از نظر فقهی قرض است، زیرا بانک دریافت‌کننده از این نوع سپرده‌ها شرعاً ملزم است تا آنها را در صورت طلب به مالک‌اش مسترد نماید، در این حالت کدام تاثیر بر نمودن خزانه بانک در حکم قرض را ندارد.

دوم: ودائع و سپرده‌های بانکی بر اساس واقعیت معاملات بانکی به دو نوع تقسیم میشوند:

أ) ودائع و سپرده‌هایی که سود آن پرداخت می‌شود، چنانچه در بانک‌های ربوی جریان دارد، این نوع قرض ربوی و حرام است، اعم از اینکه نوع ودائع و سپرده‌های جاری "حساب جاری"، سپرده‌های غیر جاری، سپرده‌های با اطلاعیه و یا سپرده‌های پس‌انداز باشد.



ب) ودائع و سپرده‌های که با عقد سرمایه‌گذاری بر سهم ربح طبق احکام شریعت اسلامی به بانک‌های که عملاً جاری است سپرده میشود، مانند رأس المال در مضاربت که احکام مضاربت "قرض" در فقه اسلامی بالای آن تطبیق میگردد.<sup>۳۴</sup>

براساس موارد فوق و نظریات فقهی ودائع و سپرده‌ها در بانک‌ها به دو نوع حلال و حرام تقسیم میگردد، هرگاه سپرده‌ها در حسابات مروج بانکی برای معاملات و عقود تحت شروط، احکام و قواعد شریعت اسلامی باشد جائز و مقبول است مانند مضاربت، مرابحه و مشارکت و هر آن سپرده که در حساب‌های مروج بانکی در بانکداری متعارف مبتنی بر ربا باشد حرام و ممنوع است، مسلمان باید از آن اجتناب نمایند، مانند اینکه بانک‌های متعارف از اشخاص سپرده‌های پول نقد را به عنوان قرض گرفته و در برابر آن ربح و فایده میدهند بدون اینکه با مشتری از جمله عقود مضاربت و یا مشارکت را منعقد نموده باشد چنانچه سپرده‌ها در حساب‌های غیر جاری و پس انداز به همین منوال میباشد، بانک‌های متعارف برای مشتریان خویش در ادوار مختلف به تناسب پول سپرده شده سود میدهند و یا هم توسط قرعه کشی مفاد نصیب آنها میگردد که نوع اول ربا و نوع دوم آن قهار میباشد که شریعت اسلامی هر دو نوع متذکره را حرام دانسته است.

موضوع دیگری نیز در ودیعت و سپرده‌های بانکی از دیدگاه اسلامی مورد بحث است:

هرگاه در برخی حالات مسلمان مجبور باشد تا در صورت نبود بانک‌های اسلامی سپرده‌های خود را در بانک‌های ربوی بگذارد این عمل مسلمان چی حکم در قبال خواهد داشت:

در مورد علمای معاصر توسط فتاویٰ خویش چنین تصریح نموده اند:

در قدم اول جائز نیست برای مسلمان گذاشتن پول خویش را منحیث سپرده در بانک‌های ربوی، زیرا ربا از جمله گناه‌های کبیره است الله تبارک و تعالی میفرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ، فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾<sup>۳۵</sup>

<sup>۳۴</sup> - أنواع الودائع المصرفية وحكمها - الإسلام سؤال وجواب (islamqa.info) / مجلة مجمع الفقه شماره (۹) جزء (۱) ص (۹۳۱)

<sup>۳۵</sup> - قرآنکریم (سوره البقرة / ۲۷۸ - ۲۷۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید. و اگر چنین نکردید، بدانید به جنگ با خدا و رسولش برخاسته اید، و اگر توبه کنید، سرمایه های شما از خودتان است، نه ستم می کنید و نه ستم می بینید.

شیخ محمد صالح المنجد در سایت خویش تحت عنوان ( الإسلام سؤال و جواب ) در مقابل سوال حکم ودائع و سپرده های که در بانک ها گذاشته میشود در مورد فوائد ربوی آن چی باید کرد چنین پاسخ ارائه داشته است: زمانیکه مسلمان در حالت اضطرار گذاشتن مال اش در بانک باشد، و دیگر وسیله برای حفظ مال اش وجود نداشته باشد، در اینصورت مشکل و حرج نیست ان شاء الله تعالی که به دو شرط ذیل پول خویش را در بانک های ربوی بگذارد:

۱- اینکه در مقابل آن فایده نگیرد.

۲- اینکه تعامل بانک صد در صد ربوی نباشد بلکه برخی از معاملات مباح نیز داشته باشد که در آن نوع معاملات سرمایه گذاری نماید.<sup>۳۶</sup>

علمای کمیته دائمی افتاء در مورد اینکه هرگاه در صورت ضرورت اشد مسلمان پول خود را در بانک های ربوی میسپارد آیا استفاده از سود آن جائز است و یا خیر؟ قرار ذیل چنین فتوی داده اند:

( فایده که بانک برای سپرده گذاران در مقابل مبالغ که در بانک ودیعت گذاشته اند میدهد ربا است و حلال نیست استفاده از چنین ربح و فایده و باید شخص به نزد الله تبارک و تعالی توبه نموده، در مورد گذاشتن سپرده ها در بانک های ربوی، شرط است که مسلمان باید همان پول سپرده شده خویش را بردارد، ربح " سود " آنرا باید مصرف نماید در راه خیر، فقراء، مساکین و اصلاح مرافق عامه).<sup>۳۷</sup>

همچنان شیخ عبدالعزیز بن باز رحمه الله در مورد چنین فتوی داده است:

( در صورتیکه بانک برای شما از ربح و فایده داد، آنرا مسترد ننماید به بانک و نه آنرا شما استفاده نماید، بلکه پول سود آنرا در وجوهات نیکی مانند صدقه به فقراء، اصلاح تشناب های عامه و مساعدت قرضداران که از دادن قرض خود شان عاجز اند، مصرف نماید و بالای شما توبه لازم است، و همچنان جائز نیست برای شما که

<sup>۳۶</sup> - حکم الإيداع في البنوك، وماذا يفعل بالفوائد - الإسلام سؤال و جواب (islamqa.info)

<sup>۳۷</sup> - فتاوی اسلامیة ج ۲ ص ۴۰۴

تعامل با بانک های ربوی نماید، زیرا از جمله بدترین گناه های کبیره است چنانچه الله تبارک و تعالی در مورد فرموده است:

﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكِ بَأْنَهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَاتْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾<sup>۳۸</sup> کسانی که ربا می خورند، (از گور) برنمی خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته سرش کرده است. این بدان سبب است که آنان میگفتند بیع مانند ربا است، و حال آنکه خدا بیع را حلال، و ربا را حرام گردانیده است، پس هر کس اندرزی از جانب پروردگارش بدو رسید و از رباخواری باز ایستاد آنچه گذشته از آن اوست و کارش به خدا واگذار می شود و کسانی که به رباخواری باز گردند، آنان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود.

﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ﴾<sup>۳۹</sup> خدا از برکت ربا می کاهد، و بر صدقات می افزاید، و خداوند هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست نمی دارد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ، فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾<sup>۴۰</sup> ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید؛ و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید. و اگر چنین نکردید، بدانید به جنگ با خدا و رسولش برخاسته اید، و اگر توبه کنید، سرمایه های شما از خودتان است. نه ستم می کنید و نه ستم می بینید.<sup>۴۱</sup>

**گرفته شده از کتاب (تنویر الافکار در با نکداری اسلامی)**

**مؤلف: دکتور محمد ظریف علم " ستانکزی "**

<sup>۳۸</sup> - قرانکریم (سوره البقرة / ۲۷۵)

<sup>۳۹</sup> - قرانکریم (سوره البقرة / ۲۷۶)

<sup>۴۰</sup> - قرانکریم (سوره البقرة / ۲۷۸ - ۲۷۹)

<sup>۴۱</sup> - نشر در کتاب فتاوی اسلامیة که شیخ محمد المسند جمع آوری نموده است ج ۲ ص ۴۰۷